



تاثیر جهان بینی فقیه در فتاوا و ادراك ضرورتها

شهیدمرتضی مطهری (ره) یکی از بایسته های اجتهاد را جهان بینی فقیه می دانست و با تاکید بر ضرورت درك آن به این مسئله پرداخته است.

چکیده: شهیدمرتضی مطهری (ره) یکی از بایسته های اجتهاد را جهان بینی فقیه می دانست و با تاکید بر ضرورت درك آن به این مسئله پرداخته است.

به گزارش شبکه اجتهاد، شهید مطهری (ره) در کتاب 'ده گفتار' خود بر تاثیر جهان بینی فقیه در فتاوايش آورده است: فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است؛ اما اطلاع و احاطه او به موضوعات و به اصطلاح طرز جهان بینی اش درفتواهايش تاثیر دارد. فقیه باید احاطه کامل به موضوعاتی که برای آن موضوعات فتوا صادر می کند داشته باشد. اگر فقیهی را فرض کنیم که همیشه در گوشه خانه خود و یا مدرسه بوده و او را با فقیهی مقایسه کنیم که وارد جریانات زندگی است، این هر دو نفر به ادله شرعیه و مدارك احکام مراجعه می کنند، اما هرکدام يك جور و يك نحو بخصوص استنباط می کنند.

ایشان در ادامه عنوان می کنند: اگر کسی فتواهای فقها را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند می بیند که چگونه سوابق ذهنی يك فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج درفتواهايش تاثیر داشته، به طوری که فتوای عرب بوی عرب می دهد و فتوای عجم بوی عجم، فتوای دهاتی بوی دهاتی و فتوای شهری بوی شهری.

این معلم شهید با بیان مختص نبودن دین خاتم به زمان و مکان می نویسد: دین خاتم مربوط به همه مناطق ها و زمانهاست، دینی است برای نظام زندگی و پیشرفت زندگی بشر؛ پس چگونه ممکن است فقیهی از نظامات و جریان طبیعی بی خبر باشد، به تکامل و پیشرفت زندگی ایمان نداشته باشد و آنگاه بتواند دستورهای عالی و مترقی این دین حنیف را که برای همین نظامات آمده و ضامن هدایت این جریانها و تحولات پیشرفتهاست کاملاً و به طور صحیح استنباط کند.

وی در ادامه به ضرورت درك این مسئله می پردازد و بیان می دارد: ما در همین عصر در فقه خودمان مواردی داریم که فقهای ما به طور جزم به لزوم و وجوب چیزی فتوا داده اند فقط به دلیل درك ضرورت و اهمیت موضوع؛ یعنی با اینکه دلیل نقلی از آیه و حدیث به طور صریح و کافی ندارم و همچنین اجماع معتبری در کار نیست، فقها از اصل چهارم استنباط یعنی دلیل مستقل عقلی استفاده کرده اند. فقها در این موارد از نظر اهمیت موضوع و از نظر آشنایی به روح اسلام که موضوعات مهمی را بلا تکلیف نمی گذارند، جزم می کنند که حکم الهی در این مورد باید چنین باشد، مثل آنچه در مسئله ولایت حاکم و متفرعات آن فتوا داده اند.

این استاد فقیه می افزاید: حالا اگر به اهمیت موضوع پی نبرده بودند، آن فتوا پیدا نشده بود. تا این حد که به اهمیت موضوع پی برده اند فتوا داده اند. موارد دیگر نظیر این مورد می توان پیدا کرد که علت فتوا ندادن توجه نداشتن به لزوم اهمیت موضوع است.